

گذرنامه برای کشور ونزوولا

- خبر نگاری ادعا میکند که کشور **ونزوولا** یکی از بهترین کشورهای امریکای لاتین است. جنب و جوش و فعالیت بی نظیری همیشه بین سکنه **ونزوولا** حکم فرماست.

هر مسافر و یا جهان گردی در آنجا بایک محیط پر میاهو و رفتار جنگجویانه ای روبرو میشود یکی از شبهای فوریه سال ۱۹۶۵ بم منظور تماشا از جشن **کارناوال** به یکی از بهترین هتل های **کاراکاس** پای تخت **ونزوولا** رفتم. درب ورودی هتل دونفر پاسبان با هیکل و سیمای مخصوصی که مسلح به مسلسل سبک بودند هر تازه واردی و هر شخصیتی را که میخواست داخل هتل شود تفتیش و بررسی میکردند.

من از مدیر هتل پرسیدم چند اسلحه تا بحال گرفته شده گفت دوازده اسلحه کمبری توقیف شده. این سلاحها در محل مخصوصی نگاهداشته شده که در مراجعت و خروج از هتل به صاحبان آن مسترد گردد.

مسلح بودن بین مردمان این کشور یک امر طبیعی و عادی است. و پدر هر خانواده اسلحه کمبری خود را به فرزند هجده ساله خویش تسلیم میدارد.

چند روز بعد قرار بود در سفارت امریکا حضور بهم رسانیم. اما رسیدن با آنجا بعلت اعتصاب دانشجویان که بر علیه سیاست امریکادر باره جنگ ویت نام. در خیا بانها اجتماع کرده بودند خالی از اشکال نبود. پلیس با چند تیر هوایی جمعیت را متفرق کرد در حالیکه آنان دیوارهای سفارت را با جوهر و مرکب سیاه میکردند.

بطریهای محتوی جوهر به آسانی با زخمی شود بدستور متخصصین فنی - استوانه های مجوف را با اره سوراخ کرده و از یک قسم جوهر و مرکب که رنگ آن هیچوقت محو نمی شود با آمپول پر کرده و سپس آنرا بدیوارهای سفارت پخش میکنند - این مرکبها از همان جوهرهایی است که در موقع انتخابات. هر رای دهنده پس از تسلیم رای خود باید انگشت را با آن آلوده کند.

دادن رای و شرکت در انتخابات در **ونزوولا** اجباری است ولی درین کشور شدت عمل بیش از حقیقت و واقعیات است. هر قدر بیشتر در آنجا مطالعه شود. بهتر معلوم میشود

که این کشور که در حال انهدام بوده سبب جنگ داخلی باین صورت درآمده است در حال حاضر ونزوولا دارای حکومت و دولت مقتدری است و این موضوع مرهون فعالیت و هوشیاری آخرین رئیس جمهوری آنجا **رمولو بتانکور** یکی از شخصیت های برجسته عصر حاضر در امریکای جنوبی است .

این کشور از یک سیاست جدید . برخوردار است . و سکنه آنجا دارای عقیده دموکراسی و همه مایل به ارتقاء و رسیدن بمقامات عالی تر هستند . فساد و تباهی در اینجا چندان راه نیافته است .

ونزوولا کشوری است که روبه ترقی و پیشرفت است . مساحت آن زیاد است و وسیع تر از هر کشور اروپائی باستثناء کشور شوروی است تمام راه ها و جاده های آن آسفالته و در حدود ۱۱۵۷۵ کیلومتر است :

در کاراکاس پای تخت آن هر هفت نفر یک دستگاه اتومبیل دارند این کشور که بیشتر آن کوهستانی و دارای جنگل های انبوه است فقط ۳۵۵ کیلومتر راه آهن و ۱۷۱ فرودگاه دارد .

جمعیت آن بالغ بر ۸۵۰۰۰۰۰ نفر که کمتر از جمعیت توکیو است و در سال ۳۸ درصد افزایش می یابد . (باین میزان بزرگترین رقم در دنیای امروز میباشد) و بنا بر این تا سال ۱۹۸۵ جمعیت آنجا دو برابر خواهد شد .

میگویند اغلب موالید در ماه نوامبر بوجود می آیند زیرا در ماه فوریه هر سال جشن **عید بزرگ کارناوال** برگزار میشود .

۶۵ درصد از جمعیت آنجا از دونژاد مختلف تشکیل شده ، باقی جمعیت ازین

قرار است :

۲۰ درصد از نژاد سفید - ۷ درصد هندی که اغلب در جنگل ها زندگی میکنند
۸ درصد آن از نژاد سیاه که بیشتر در سواحل دریاها زندگی میکنند .

بعد از جنگ بین الملل دوم متجاوز از یک میلیون اروپائی به **ونزوولا** مهاجرت کرد . در حدود ۱۷۰۰۰ نفر از آن ها از امریکای شمالی می باشند تعداد زیادی از خانواده های متمول و متمکن که دارای امتیازات مخصوصی هستند در آنجا سکونت دارند ولی طبقه امرود نتیجه توسعه و ترویج است ثروتمندترین مردم آنجا را در صاحبان صنایع باید جستجو کرد . وزیر امور خارجه این کشور سابقاً در خدمت شرکت نفت آنجا بوده است .

کاراکاس پای تخت عجیبی است . مردم آنجا بلا نقطه مشغول کار و فعالیت می باشند این شهر در طول جلگه و سیمی در پایه کوهستان واقع و شباهت به شهر ندارد بلکه عبارت از قصبه ای است که در مجاورت قراء و در تپه مرتفی که در حال حاضر محل سفارت امریکاست در پنج سال قبل محل کشتنی شکر بوده و امروزه آسمان خراشهای در آنجا ساخته شده و زمین آنها متعلق به حکومت و رزسکاران است .

طرز معماری آنجا از يك نوع سیستم جدید و مخصوصاً شکل ساختمانهای اسپانیولیها اقتباس شده و دیوارهای عمارات برنگهای مختلف - نارنجی - سبز - گلی و غیره تزیین شده است .

در کارا کاس رفت و آمد و ایاب و ذهاب هم تماشائی است چه بیشتر کارمندان برای ناهار به منازل خود میروند و وسائل نقلیه چهار مرتبه هر روز باید مشغول کار جدی باشد و اغلب تصادفات زیاد روی میدهد که بیشتر آنها منجر به اختلافات و نزاعهای سخت و گاهی اوقات دیده شده که رانندگان اتوبوسهای شخصی با هفت تیر مشغول مبارزه میشوند .

یک ربع از جمعیت در خانههای کوچک در پای تپهها سکونت دارند و اغلب روی خانههای چوبی و پناهاگامها آنتنهای تلویزیونها دیده میشود که روی بامها که بیشتر از قوطیهای کنسرو و جعبههای مقوائی که با آجر تر کیب یافته میباشد - راننده داشتیم که خانه اش عبارت از دو اتاق بود که در آن خود و عیال و نه فرزند و دو نفر از بستگانش سکونت داشتند . این خانه عبارت از کپری است که خودش آنرا با سپمان ساخته . این قبیل خانهها در محله کثیف که غم و اندوه و نکبت از آن میبارد ساخته و آماده شده است . ولی راننده مزبور که نسبتاً زرنگ و کاری است در این خانه ماشین رختشویی - یخچال برقی تلویزیون دارد ولی آب مشروب را باید از تنها شیرآبی که در آخر این محل واقع است برداشته و مصرف مینماید .

در کارا کاس همه مردم مشغول کار و فعالیت میباشدند و هیچوقت کار امروز را به فردا نمی اندازند . کار از ساعت ۸ صبح شروع میشود و خوابیدن در روز معمول نیست .

این کشور وسیله **گریستف کلهپ** در سال ۱۴۹۸ مسیحی کشف شد در **نوزولا** تا سال ۱۸۰۸ روزنامه و وسائل چاپ وجود نداشت . پس از آنکه استقلال خود را بدست آورد جواهر بی قیمتی را پیدا کرد و آن کشف کلمبیبای بزرگ بوده و در سال ۱۸۳۰ آزادی کامل راپس از جنگهای متمادی داخلی بدست آورد از سال ۱۸۳۰ تا سال ۱۹۰۸ در حدود هشتاد دولت در **نوزولا** روی کار آمده و هر کدام این کشور را به خرابی و ویرانی انداختند بیست و دو نفر از سی نفر رساء جمهور این کشور از نظامیها و افسران عالی رتبه ارتش بودند . شخص شرور و وحشی آدم کشی بنام **ون جوان ویسنت گمز** در سال ۱۹۰۸ قدرت را در این کشور بدست گرفته و تا سال ۱۹۳۵ که بدرو حیثیات گفت در آنجا حکومت میکرد نامبرده این کشور را مثل خانه خود اداره میکرد و در نتیجه تمول و ثروت سرشاری در حدود یک میلیارد فرانک فرانسه بدست آورد - در دوره حکومت این شخص معادن نفت کشف شد - او تعداد زیادی از مردم را بزندان انداخت ولی باید دانست که ثبات و امنیت کاملی که کشور بان احتیاج داشت در آنجا برقرار نمود در سال ۱۹۴۵ **رمولو بتان گود** بریاست جمهوری آنجا انتخاب شد - این شخص به علل سیاسی مدت بیست و یکسال در زندان یا در تبعید یا در خفاء زندگی میکرد - با این حال در اداره امور کشور داری بهتر از حکومت های سابق اقدام کرده و در نظر داشت خیلی زود پیشرفت در کارها حاصل نماید ولی سرهنگ **مارکوس** پرزجیمز حکومت آنجا را بدست آورده و در مدت ده سال کلیه اصلاحات آنجا را برهم ریخته

کارگران را صدمه زیاد زد و بسیاری را بزندان انداخت و مخالفین خود را سرکوب کرد و در نتیجه ثروت سرشاری بدست آورد و بالاخره در سال ۱۹۵۸ بایک کودتا حکومت را از دست داد و رهولو بتانکور مجدداً بریاست جمهوری آنجا برگزیده شده و دوباره شروع به اصلاحات نمود و در اصلاحات ارضی و توسعه فرهنگ اقدام و افتخار و سرافرازی بزرگی برای این کشور ایجاد و ثبات و امنیت را در آنجا برقرار نمود و در سال ۱۹۶۴ قدرت و حکومت را به میل خود راول لئونونی واگذار نمود .

لئونونی شصت سال دارد و دارای اعصاب قوی و لب‌های برجسته و در امور اجتماعی متخصص و در حدود نوزده سال در زندان و در تبعید و در خفیه بسر برده ولی در حال حاضر بهیچوجه از سیمای او آثاری از گذشته پدیدار نیست . باتکاء کارگران مشغول کار و ارتش نیز نسبت باو وفادار است . ارتش ونزولا بوسیله قانون نظام اجباری تشکیل میشود . افسران آن در نتیجه اكمال تحصیلات در مدارس نظامی به خدمت انتخاب میشوند و از خانواده به خصوصی نیستند . طبق معمول امریکای جنوبی . این ارتش آزادی و ثبات را در کشور حفظ میکند . هیچوقت در صدد تجاوز به حدود خارج از کشور نبوده و تقریباً صدی ده از بودجه کشور بمصرف مخارج آن میرسد . و بطوری مقتدر است که در صورت تمایل فرمانده خود متنبه شده اوضاع را واژگون نماید ولی همیشه در صدد حفظ استقلال کشور و جلوگیری از حوادث می باشد ،

منبع نفت ونزولا غنی ترین معادن نفت قبل از کشف نفت خاور میانه بوده و در اعماق دریاچه مارا کبو است .

ونزولا سومین تولید کننده نفت جهان بعد از امریکا و شوروی و بزرگترین صادر کننده آنست . این کشور غنی است بر اثر معادن نفت روزانه شش میلیون فرانک داخل خزانه آن میشود .

این نفت بوسیله سه شرکت مهم: استاندارد-روایال دج شل و گلف پترولیوم استخراج میشود . هشتاد درصد از فروش نفت باین شرکتها میرسد .

امروز ونزولا در حدود شصت درصد از منابع نفت را دریافت میدارد و این کمپانیها ۳۴ درصد می برند . عقیده عمومی بکلی مخالف استفاده این شرکتهاست با این حال درآمد حاصله بوسیله این شرکتها بمصرف اجرای اصلاحات اساسی این کشور میرسد پیش بینی میشود که این معادن نفت تا سال ۱۹۸۸ بکلی تمام خواهد شد باین مناسبت از هم اکنون در صدد توسعه امور اقتصادی و صنایع میباشند که تأمین آتیه کشور بشود کشور ونزولا در صدد بدست آوردن معادن جدیدی در اراضی ساتوتوتویه گرها ناکه در ۵۶۰ کیلومتری جنوبی شهر کاراکاس واقع است میباشد . در این اراضی بمقدار بسیار زیادی معادن آهن و آلومین و غیره موجود است - درین زمینها قطعات زیادی آهن حتی روی زمین اینجا پیدا است که در حدود چهار میلیون تن آهن که ۶۰ درصد آن آهن خالص است میباشد این معادن غنی ترین معادن آهن دنیا است - و اخیراً کارخانه بزرگ ذوب آهن که ارزش آن ۱۸۸ میلیارد فرانک است تأسیس و مشغول کار می باشد . بعلاوه در صدد ساختمان سدی

بارتفاع ۱۳۴ متر میباشد که کارخانه آلومینیوم را در اینجا دایر نمایند . پیش بینی میشود که جمعیت ساتوتومه که فعلا در حدود ۸۰٫۰۰۰ نفر است تا ده سال دیگر سه برابر خواهد شد .

پیش بینی میشود که ازحالا تا سال ۱۹۷۵ کلیه محصول معادن گویانا ۲۱ درصد جمع محصول صنعتی ونزوولا را تشکیل دهد و ۱۹ درصد کل درآمد کشور را زیاد نماید . در این کشور کمتر کسی در کارهای خصوصی و شخصی اقدام میکند و مالیات آنها نیز بسیار قلیل است به تجارتخانه ها و فروشگاه ها ای که از طرف جمعیت **روکفلر** درین کشور احداث شده اهمیت مخصوصی قائل میباشد و ۸۰ درصد اجناس مورد مصرف آنها در کارخانجات ونزوولا ساخته و فروخته میشود . در حال حاضر این کشور دارای صنعت پتروشیمی و گاز طبیعی است و بملاوه مشغول ساختمان های خیلی زیاد و مهم برای شرکت هواپیمائی و یک سلسله هتل های عالی و خطوط راه آهن میباشد . باضافه دارای محصول زیاد نمک - کبریت و شرکت سازی - شرکت نفت و یک کمپانی کشتی رانی است .

نظر باینکه ونزوولا در جوار کشور کوبا واقع است - تصور می کنند که این کشور دست نشانده حکومت کمونیست در امریکای لاتین است . پس از آنکه کوبا در سال ۱۹۵۹ سلطه برهاوانا پیدا کرد - فیدل کاسترو مسافرتی به کاراکاس نمود که در اینجا با استقبال گرمی روبرو شد ولی به محض اینکه فیدل کاسترو شروع کرد به مداخله در امور داخلی ونزوولا و تشویق به اعتصابات کمونیستی - دولت ونزوولا روابط سیاسی خود را بکلی با کوبا قطع نمود .

درین هنگام مشاهده شد که قوای مسلح آزاد کمونیستهای ونزوولا بطرف کوبا رفتند و در حدود ۵۰۰ نفر تروریست بین قوای مزبور می باشد و این افراد مشغول خرابی و ویرانی و فساد در کشور شده - دردهات و قصبات خرابی هایی وارد کرده بانگهارا غارت و دفاتر روزنامه ها و جرائد را مصادره کرده و درپاره نقاط با دنیا میت ضایعاتی وارد ساختند ولی خوشبختانه و بعلت روح فداکاری و صمیمیت و وطن پرستی زارعین و دهقانان آنها نتوانستند بر رژیم حکومت صدمه ای وارد سازند .

بطوریکه **لئومی** اظهار میداشت - به عقیده وی نفوذ فیدل کاسترو بمقدار بسیار محسوسی در تمام امریکای جنوبی رو بگاش رفته ولی کوبائی ها هنوز قادر به ایجاد اغتشاشاتی در نقاط مختلفه می باشند .

کشور ونزوولا - یک کشور جدی و فعال و همیشه استقلال خود را بانهایت قدرت و شهامت حفظ کرده نه تابع شوری و نه نظری به چین کمونیست دارد ولی روابط خود را با کشورهای لهستان و یوگسلاوی - ادامه داده و از شناسائی کودتای آرژانتین که در نظر داشت ارتوتو **فروندیزی** را بریاست جمهوری آنجا برسانند خودداری کرده و نیز روابط خود را ببرزیل در زمانی که **کاستلو برانکو** در صدد جانشینی **گولا** رئیس جمهوری آنجا در سال ۱۹۶۴ بوده قطع کرد کشور ونزوولا که عملیات گمبترزو پرز جیمنز را فراموش نکرده

بهیچوجه با رژیم‌هایی که با زور و قدرت روی کار می‌آیند موافقت نمی‌کنند .

مناسبات این کشور با کشور امریکای شمالی بسیار دوستانه و صمیمانه است - معاملات امریکا یا نزوولا در حدود ۲۲ میلیارد فرانک که تقریباً در حدود ثلث کلیه معاملات امریکا با امریکای لاتین است می‌باشد - در حدود ۴۰ درصد محصول نفت را از نزوولا خریداری کرده - با این حال امریکا با ساکنین کاراکاس زیاد روابط ندارند - در سال ۱۹۵۸ معاون ریاست جمهوری امریکا - ریشارد نیکسن مورد بی‌احترامی اهالی واقع گردید و در سال ۱۹۶۵ - مجلس شورای نزوولا با توافق آراء - مسئله مداخله امریکا را در بحران دوهمینکن بکلی محکوم کرد .

بطور کلی وضعیت نزوولا از کلیه نقاط و کشورهای امریکای جنوبی - بهتر است این کشور با روشن بینی مخصوصی امور خود را اداره میکند - بدیهی است پاره‌ای نقاط ضعیف در آنجا به چشم می‌خورد ولی در عین حال کشور رو به ترقی و پیشرفت است و وضعیت بهداشت در آنجا بسیار خوب و بهبود کلی حاصل کرده
درآمد افراد که در سال ۱۹۶۰ از قرار ۵۹ درصد بود و اینک به ۶۵٫۲ درصد رسیده است .

ارسال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۵ مبارزه با بی‌سوادی ادامه داشته و بی‌سوادی از ۵۳ درصد به ۲۸ درصد رسیده است .

کشور نزوولا بیشتر درآمد خود را صرف توسعه فرهنگ میکند ، و بیشتر از کلیه کشورهای امریکای جنوبی درین باره اقدام می‌نماید ۱۳ درصد بودجه خود را بدین مصرف رسانده که این مبلغ بیش از بودجه است که بمصرف دفاع ملی میرسد .

اگرچه پیشرفت درین کشور به کندی صورت می‌گیرد ولی اصلاحات ارضی از سایر نقاط امریکای جنوبی بهتر اجرا میشود - تا بحال به ۸۵٫۰۰۰ خانواده در اراضی حاصلخیز جا داده شده و تا سال ۱۹۷۰ به ۲۰۰٫۰۰۰ خانواده دیگر مسکن داده خواهد شد توسعه صنعتی خیلی زیاد و حد متوسط درآمد هر فردی ۳۰۰۰ فرانک در سال بوده و این مبلغ در امریکای لاتین خیلی مهم است - اختلاف طبقاتی بین ثروتمندان و فقراء بتدریج دارد از بین می‌رود آزادی مطلق در تمام افراد ریشه دار میشود و اشخاص باین نکته توجه کرده‌اند که آزادی باید روز بروز توسعه حاصل نماید .

یکی از مأمورین عالی رتبه سیاسی اظهار میداشت - عمیق ترین تغییری که درین کشور درده ساله اخیر حاصل شده عبارتست از معلومات و تحصیلات و دانش و افکار دموکراسی و دولت ثابت کرده که ثبات و ترقی و اصلاحات فقط در سایه قوانین دسته های دموکراسی بدست خواهد آمد .